



مذاکرات آستانه؛

از انفعال محور غربی-عربی

تا تقویت مشروعیت اسد

۶



حجت الاسلام سيد مرتضى السندی؛

نقشه های آمریکایی

برای جزیره بحرین

۳



شمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس ◀ شماره ۶ ▶ دوشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۹۵ ▶ ۱ جمادی الاول ۱۴۳۸ ▶ ۳۰ ژانویه ۲۰۱۷



نماینده جنبش جهاد اسلامی فلسطین در ایران در گفت و گوی تفصیلی بابیت المقدس:

۴

امت اسلام بدون فلسطین
همانند بدن بدون قلب است



◀ **مشهد رسماً «پایتخت فرهنگی جهان اسلام» در سال ۲۰۱۷ شد**
هفته گذشته طی مراسمی با حضور مقامات داخلی و خارجی مشهد مقدس بعنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۲۰۱۷ معرفی شد. حجت الاسلام والمسلمین رئیسی تولیت آستان قدس رضوی در سخنانی در این آئین گفت: آنچه امروز در کشورهای اسلامی ضرورت دارد مقاومت و ایستادگی در برابر استکبار، حفظ وحدت و هویت دینی جهان اسلام است. سید رضاحاجی امیری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم بعنوان دیگر سخنران گفت: انتخاب مشهد به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام می‌تواند نوای وحدت را به گوش جهانیان برساند. وی با اشاره به اینکه امروز مسئولان مختلف بر اساس شکل‌گیری وحدت در این مراسم شرکت کرده‌اند، اظهار کرد: از امروز گفت‌وگوهای رضوی که همان گفت‌وگوهای صلح و انسانیت است در جهان اسلام دمیده می‌شود.

◀ **علی اصغر بروجردی**



اعراب و اسرائیل؛ از جنگ تا صلح



با مطالعه دقیق بر منابع اسلامی به دست آمده است به‌زعم صهیونیست‌ها پانکی بود تا گفت‌وگوهای اسلام سیاسی اصیل را حذف کند یا سنتر لایت‌س را از آن نتیجه دهد. ریچارد هاس، رئیس اندیشکده شورای روابط خارجی آمریکا در مقاله‌ای با عنوان «جنگ سی ساله جدید» در جولای ۲۰۱۵ در روزنامه هآرتس وعده جنگ سی ساله مذهبی در خاور میانه را داده بود که نتیجه آن کنار گذاشتن اسلام (سیاسی) توسط نسل‌های آینده مسلمانان خواهد بود. اتفاقی که در سده هفدهم میلادی در جنگ کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها رخ داد. البته طراحی آنتی‌تز اسلام سیاسی طراحی دقیقی بود و تا حدودی توانسته است در دسترسی به اهداف خود موفق باشد یعنی حاشیه امنی برای رژیم صهیونیستی ایجاد کند در واقع آنرا از اولویت بیندازد. در این میان رسانه‌های جریان اصلی نیز با پرداختن به جنایت‌های تکفیری‌ها و توجه به آن در صدر اخبار خود توانسته‌اند همزمان با یک تیر، دو نشان را مورد هدف قرار دهند: هم مساله فلسطین را به فراموشی بسپارند و هم چهره خشنی از اسلام ارائه نمایند. پس امروز جنگ با داعش در واقع جنگ با رژیم صهیونیستی است؛ زیرا، تفکر تکفیری که توسط سرمایه‌اتلاف عبری-عربی سازمان‌دهی شده است سپر بلای رژیم صهیونیستی شده است. ملوای مجروحین تکفیری در بیمارستان‌های سرزمین‌های اشغالی کوچک‌ترین نشانه‌ها برای این مساله است. در پایان باید اشاره کرد طبق فرموده سال گذشته رژیم حکیم انقلاب اسلامی، چیزی به نام رژیم صهیونیستی تا ۲۵ سال آینده وجود نخواهد داشت. این نه یک بلوف سیاسی و نه یک وعده پوچ است بلکه جداز قواعدهای حاکم بر جهان که طبق نص قرآن کریم لایتغیرند تأسیس یک رژیم آپارتاید در این عصر با محاسبات یک عقل سیاسی ماتریالیستی نیز محکوم به نابودی است.

جنبش جهاد اسلامی در دیدار اخیر خود با رهبر معظم انقلاب اسلامی در آذر ۱۳۹۵ تأکید می‌کند: «متأسفانه برخی دولت‌های عرب از قضیه فلسطین دست کشیده و برای هم‌پیمانی با رژیم صهیونیستی از یکدیگر سبقت می‌گیرند». نکته بعدی در اینجاست که پس از پیروزی ارتش صهیونیستی بر ارتش عربی در جنگ اکتبر و گسترش مرزهای رژیم صهیونیستی در پی این پیروزی، ارتش اسرائیل را به عنوان یک ارتش شکست‌ناپذیر در دنیا بر سر زبان‌ها انداخت و این توهم را برای سران این رژیم نیز ایجاد کرد که واقعاً شکست‌ناپذیرند و می‌توانند ایده صهیونیستی از نیل تا فرات را برای به وجود

شاید روزی که لشکر صهیونیست‌ها جنگ علیه اعراب را آغاز کردند و در عرض چند روز توانستند بخش قابل توجهی از خاک کشورهای عربی همچون مصر، اردن و سوریه را تصرف کنند کسی فکر نمی‌کرد نیم قرن بعد آنان با یکدیگر دارای منافع مشترک استراتژیک شوند به طوری که سران برخی از آنها نه به صورت پنهانی بلکه آشکارا با یکدیگر عکس‌یادگاری بگیرند و در مجالس شبانه برقصند. حال سوال اینجاست که چه چیزی توانسته است ناسیونالیسم عربی را در کنار نژادپرستی صهیونیستی در کنار یکدیگر جمع کند؛ در حالی که آنان تا قبل از این متضاد هم بودند؟

به عقیده نگارنده موفقیت یا شکست گفت‌وگوها در عرصه جهانی می‌تواند آرایش ایدئولوژیک و به تبع آن آرایش سیاسی دنیا را تغییر دهد. برای مثال در زمان جنگ سرد، کلیدواژه‌هایی مانند «بلوک شرق»، «بلوک غرب» و «کشورهای جهان سوم» واجد معنای دقیق و عینی بودند اما امروز و پس از شکست گفت‌وگوهای مارکسیسم این عبارات را صرفاً مسامحت‌های توانیم به کار ببریم و در واقع آنها غلط‌های مصطلح هستند. از سوی دیگر با به وجود آمدن گفت‌وگو «اسلام سیاسی» پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، پارادایمی متولد شد که توانست نظم ایدئولوژیک جهان را دگرگون کند. دولت‌های عربی که با شعار ملی‌گرایی عربی روی مساله فلسطین حساسیت خاصی نشان می‌دادند کم‌کم گفت‌وگو را جدیدا خطری برای حکومت‌های پادشاهی، مستبد، غیردموکراتیک و فاسد خود دیدند که در درازمدت مردم را علیه حکومت‌شان می‌شوراند. در واقع حکام عرب به دلیل ضعف در ساختارهای حکومت‌های غیرمردمی خود مجبور شدند با امپریالیسم جهانی که رژیم صهیونیستی جزئی از آن است برای بقای حکومت خود معامله کنند از همین باب است که رمضان عبدالله، دبیر کل

رسانه‌های جریان اصلی نیز با پرداختن به جنایت‌های تکفیری‌ها و گذاشتن اخبار مربوط به آن در صدر اخبار خود توانسته‌اند همزمان با یک تیر دو نشان را مورد هدف قرار دهند؛ هم مساله فلسطین را به فراموشی بسپارند و هم چهره خشنی از اسلام را به نمایش درآورند.

آوردن سرزمین موعود اجرایی کنند اما تنها چند سال بعد و با شکست‌های پی‌درپی این رژیم در سال ۲۰۰۶، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲ از چند جنبش مقاومت اسلامی (حزب الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی) این رژیم در ضعیف‌ترین وضعیت خود از بدو تأسیس قرار گرفت. ایده آنتی‌تز اسلام سیاسی یعنی ایجاد گروه‌های تروریستی تکفیری مانند داعش که از دل اندیشکده‌های غربی و سازمان جاسوسی هایشان

سخن نخست

دربار بیمار آل سعود و بحران‌های روبه‌صعود

محمد مهدی رحیمی



از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، داشتن روابط حسنه با مسلمانان و توجه ویژه به اوضاع کشورهای اسلامی در اولویت موضوعات سیاست خارجی مورد توجه رهبران و مقامات نظام بوده است. از سوی دیگر همواره بزرگان انقلاب و مقامات جمهوری اسلامی بدنبال تعامل مثبت و سازنده با همسایگان بوده‌اند، بویژه که کشورمان با ۱۵ کشور مرز زمینی یا دریایی دارد و از این منظر دارای جایگاه ویژه‌ای جهان است. به بیان دیگر «حسن همجواری» رویکرد ثابت ایران در سیاست خارجی خود طی ۴ دهه گذشته بوده است، موضوعی که برای آن مصادیق متعددی می‌توان ذکر کرد و با قاطعیت می‌شود گفت که در همه این سال‌ها ما تهدیدی برای همسایگان نبوده‌ایم، حتی در ایامی که رژیم بعث عراق با تصمیم صدام جنایتکار به کشورمان حمله کرد هم کماکان ایران ملجاء و پناهگاهی برای بسیاری از عراقی‌های فراری از ستم و ظلم صدام بود. از سوی دیگر عربستان سعودی که در دوران نظام پهلوی، در کنار ایران به عنوان یکی از دو ستون اصلی سیاست خارجی آمریکا در منطقه به ایفای نقش می‌پرداخت، باروی کلر آمدن نظام اسلامی در ایران که در نقطه مقابل سیاست‌های آمریکا قرار داشت، عملیات تلاش کرد تا با کسب اعتماد کامل مقامات ایالات متحده، محور اجرای تمایلات حکام این کشور در خلیج فارس و غرب آسیا شود. بویژه که آل سعود روی کار آمدن نظام مردمی در ایران را تهدیدی برای خود تلقی کرده و نگران انتقال گفت‌وگوهای مردم‌سالاری دینی به کشورش بود موضوعی که در نتیجه آن و بالگو گرفتن عربستانی‌ها از انقلاب ایران، می‌توانست به سرنوشتی حکومت دیکتاتوری در شبه جزیره بینجامد. در این مسیر آمریکایی‌ها با شناخت دقیق از نیاز سعودی‌ها، به خوبی بر آنها سوار شده و عملاً سکان اداره این کشور را بدست گرفتند. بر احنی می‌توان بیان کرد که در چند دهه اخیر حکام عربستان هیچگاه به اجرای اوامر و اشنگتن کوناه می‌نگریده و به ثمن بخش اراده‌شان را به آنها واگذار کرده‌اند.

به مرور زمان و پس از پایان جنگ تحمیلی ۸ ساله علیه کشورمان، نقش آفرینی ایران در عرصه تحولات بین‌المللی و بویژه منطقه‌ای هم افزایش یافت تا بدینجا که به‌اذعان تحلیلگران و کارشناسان جهانی، ایران به یک قدرت اثرگذار در منطقه بدل شد. مساله‌ای که به هیچ وجه به مذاق آل سعود خوش نیامد و در همه این سال‌ها تلاش نموده تا در مسیر اثرگذاری کشورمان انواع و اقسام موانع را ایجاد نماید. شرح مصادیق سنگ‌اندازی عربستان در مسیر پیشرفت ایران انقلابی، از حوصله این مجال خارج است اما مرور گذر این آنچه که اکنون در سوریه، بحرین، یمن، لبنان، افغانستان، عراق، پاکستان و... جریان دارد، به‌علاوه کشف چندین گروه خرابکاری در ماه‌های اخیر در مناطق مرزی ایران که آنگونه که اطلاع‌رسانی شده جملگی از مرکزی واحد در عربستان فرمان عملیات علیه ایرانیان را دریافت کرده‌اند، تردیدی در حداعالی خصومت‌ورزی سعودی‌ها علیه ایران باقی نمی‌گذارد. به این سیاهه، اقدامات یکی دو سال اخیر حکومت سعودی علیه حجاج ایرانی را هم باید اضافه نمود. حال در شرایطی که آل سعود در عمده آوردگاه‌های منطقه‌ای از جمله در سوریه، یمن، لبنان و عراق میدان را به رقیب هوشیار خود واگذار کرده و در مناطقی همچون بحرین هم در شرایطی بحرانی بسر می‌برد، هفته گذشته فرستاده ویژه امیر کویت با پیامی خاص راهی تهران شد. بر اساس آنچه بصورت غیررسمی مطرح شده محتوای اصلی پیغامی که وزیر خارجه کویت حامل آن بوده، درخواست ریاض برای گفتگو با مقامات کشورمان در مسیر حل و فصل اختلافات است. اگرچه رفتار آل سعود بویژه در دوران پادشاه جدید، مملو از تناقض و ناپختگی است، اما طبیعتاً قواعد حکومت داری حکم می‌کند که پیام اخیر از سوی مسئولان جمهوری اسلامی به دقت مورد ارزیابی قرار گرفته و بر مبنای اصول اساسی «حکمت، عزت و مصلحت» پاسخ درخور به آن داده شود. در مقام پاسخ باید شرایط منطقه‌ای و داخلی عربستان، بویژه اکنون که با مشکلات مالی عدیده و کسری بودجه دست و پنجه نرم می‌کند، به قدرت رسیدن ترامپ که همسویی با دربار آل سعود ندارد، قیمت نفت، روابط پشت پرده برخی اعراب با صهیونیست‌ها و... مورد توجه قرار گیرد.

به نظر می‌رسد بحران‌ها در عربستان سعودی، سیر صعودی دارد و دربار بیمار این کشور، برای ادامه حیات نیاز به تجدید قوای جدی دارد، ما در مقام تعامل نباید از آن فروشی کنیم.

اتحادیه اروپا خواستار آزادی فوری شیخ زکراکی شد

نمایندگی اتحادیه اروپا در ایوجاز دولت نیجریه خواست تا طبق تاکید دادگاه فدرال این کشور برای آزادی «شیخ ابراهیم زکراکی» رهبر شیعیان نیجریه، هرچه سریع تر او را از زندان آزاد کند. اگرچه دادگاه فدرال نیجریه چندی پیش حکم آزادی زکراکی را از بند نیروهای امنیتی صادر کرده بود، اما دولت نیجریه اعلام کرد که به صلاح ملت نیست زکراکی آزاد شود و اکنون چند روز است که از مهلت قانونی اجرای حکم دادگاه توسط دولت نیز می گذرد. «محمد بوهاری» رئیس جمهور نیجریه هفته گذشته در اظهار نظری عجیب مدعی شده بود که «مصلحت مردم اقتضای می کند که حکم دادگاه مبنی بر آزادی شیخ زکراکی را اجرا نکنیم». این اظهار نظرهای تعجب برانگیز رئیس جمهور نیجریه در حالی است که دادگاه این کشور چندی پیش حکم آزادی شیخ زکراکی و همسرش را صادر کرده بود.



حجت الاسلام والمسلمین سید مرتضی السندی



نقشه های آمریکایی برای جزیره بحرین



«سید مرتضی السندی» یکی از رهبران ارشد و سخنگوی «جریان اسلامی الوفا» بحرین است. وی پژوهشگر مسایل دینی و سردبیر روزنامه المرفأ در قم می باشد که ۵ بار بدلیل مواضع خود در برابر ظلم و ستم واقع بر مردم بحرین توسط حکومت این کشور دستگیر و مورد شکنجه قرار گرفت، تا اینکه در نهایت ملیت بحرینی از وی سلب گردید و به ایران مهاجرت کرد. حجت الاسلام السندی در این یادداشت نقش پررنگ و نقشه های خطرناک استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا برای سرکوب و انحراف انقلاب بحرین را تشریح کرده است:

بحرین جزیره ای کوچک واقع در دل خلیج فارس است که آمریکا به سبب عوامل متعدد اهمیت بسیار زیادی برای آن قائل است، این عوامل عبارتند از: وجود ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در بحرین، نزدیکی این جزیره به ایران، نفت کشورهای حوزه خلیج فارس و افزایش نفوذ در منطقه به عنوان محل استقرار و گذرگاه ثروت های عظیم.

توجه آمریکا به وضعیت داخلی بحرین:

اسنادویکی لیکس به توجه بسیار زیاد آمریکا به وضعیت داخلی بحرین اشاره دارد، به طوری که شرکت کردن هیأتی از سفارت آمریکا در مراسم عاشورا در منامه و صحبت های آنها در مورد برخی جزئیات اطلاعاتی در گزارش های ارسالی آنها، گویای این اهمیت بسیار زیاد به وضعیت داخلی و افزایش نفوذ آنها در وضع داخلی آن می باشد. اسناد فاش شده و مستنداتی که به عنوان یادداشت های هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه سابق آمریکا مطرح شدند گواه بر این حقیقت می باشد که آمریکایی ها از آنچه در ۱۴ فوریه (آغاز انقلاب مردمی) در بحرین اتفاق افتاد، شگفت زده شده بودند. در واقع هیچگاه توقع اتفاقات رخ داده را نداشته و بر این باور بودند

که مردم بحرین لبیک گوی دعوت هایی که در آن زمان برای برپایی روز خشم صادر گردیده، نیستند. این شگفت زدگی در موضع گیری های آشفته و بیانه های مختلف علنی و سری منعکس گردید، این در حالی است که هیلاری کلینتون در رسانه های عربستان سعودی اعلام کرد که ارسال نیروهای سپر جزیره به بحرین اقدام درستی بوده است. در همان روزها وزیر وقت دفاع آمریکا سفری پنج ساعته به بحرین داشت و در آن با پادشاه دیدار و به وی اعلام کرد که آمریکا در هر گونه اقدام علیه مخالفان، در کنار نظام بحرین خواهد ایستاد.

طرح آمریکا برای محافظت از منافعش در بحرین چیست؟

آمریکا طرح خود را در سه مرحله برنامه ریزی کرده که عبارتند از:

۱. تغییر ذهنیت ها
۲. تغییر رفتارها
۳. تغییر خط مشی ها

اولین مرحله تغییر ذهنیت هاست که بر پایه متقاعد ساختن مردم به اینکه استراتژی انقلابی بی ثمر می باشد و امکان موفقیت آن غیر ممکن بوده و بستر مناسب برای آن پیدا نیست، استوار است، این عمل در جهت ایجاد ناامیدی نسبت به این باور در اذهان مردم بوده تا از استراتژی انقلابی عقب نشینی کرده و در یک نگرش جایگزین محدود شکل بگیرد تا معترضان و انقلابیون به تدریج بسوی راهکارهای اصلاح و سازش سیاسی گرایش پیدا کنند.

با این روش به استراتژی جایگزین فرصت راهپیمایی، تجمع، سخنرانی، شرکت در برنامه های تلویزیونی و رسانه ای و عدم برخورد امنیتی، داده می شود و همچنین زمینه ایجاد تشکل های سیاسی و پیروزی های ظاهری و نه چندان مهم که اصل قضیه را در بر نمی گیرد، فراهم می گردد.

این امر موجب می گردد که تعداد بی شماری از مردم جهت انتقال از استراتژی انقلابی به استراتژی جایگزین تشویق شوند. اگر این هدف تحقق یافت مرحله بعدی کلیدی می خورد و گروه های مخالف سیاسی را با همان راهکارها و ابزارها به عنوان فعالان حقوق بشر مبدل می کنند؛ فعالان سیاسی را دستگیر و از مشارکت در راهپیمایی ها منع می کنند و همچنین از سخنرانی های سیاسی آنها در رسانه ها، مساجد، تجمع ها، مراکز و مراسم عزاداری جلوگیری می شود و محدودیت های رسانه و علیه آنها اعمال می گردد.

در همین راستا فعالان حقوق بشر هدف برجسته سازی قرار می گیرند و حمایت های لازم از آنها انجام و به

**طرح تشیع اعتدال
از جانب سفارت آمریکا
در بحرین پی ریزی شد
که آموزش فعالان جوان و به
کارگیری نگرش جوانان جلوه
ای آمریکایی به خود بگیرد و
منافع این کشور به خطر نیفتد.**

صورت ظاهری مورد دفاع قرار می گیرند، به طوری که سازمان های حقوق بشر و سازمان های جامعه مدنی مورد حمایت قرار می گیرند و این گونه سازمان ها با تامین مالی آنها افزایش می یابند. آسان کردن فعالیت سازمان های حقوق بشری و جامعه مدنی و برجسته سازی پیروزی های ظاهری و نه چندان مهم برای آنها را در دستور کار خود قرار می دهند و این امر بدین جهت اعمال می گردد تا فعالان سیاسی برای تبدیل شدن به فعالان حقوق بشر تشویق شوند.

سه احتمال در این باره وجود دارد:

احتمال اول: پیروزی انقلابیون که در این حالت منافع آمریکادر بحرین به طور یقین متضرر خواهد شد.
احتمال دوم: پیروزی جناح دعوت کننده به اصلاح نظام سیاسی و رسیدن به پادشاهی دستوری و دولتی برگزیده شده از جانب مردم، و در این حالت متضرر شدن منافع آمریکا یا متضرر نشدن آنها محتمل است، به طوری که ممکن است جناحی بر رأس حکومت قرار گیرد که منافع آمریکا را تامین کند و برای آنها اهمیت قائل باشد و احتمال دارد در دوره دیگر جناحی بر سر کار آید که منافع آمریکا را تامین نکند لذا آمریکایی ها در نگرانی همیشگی در خصوص منافع خود در بحرین خواهند بود و همیشه وجود منافع شان را در خطر بدانند.

احتمال سوم: پیروزی حمایت کنندگان و فعالان حقوق بشر که بدین منظور دولت فضایی برای رعایت حقوق بشر در بحرین باز بگذارد و با این حال منافع آمریکامتضرر نخواهد شد بلکه مردم ممکن است آمریکا را به خاطر حمایت و دفاع از سازمان ها و فعالان حقوق بشر مورد تشکر قرار دهند!

اتفاقات و حوادث جاری در بحرین اشاره به طرح های آمریکا دارد که توسط رژیم آل خلیفه در حال عملیاتی شدن می باشد و این طرح ها به هدف:

یک: جدایی دین از سیاست در بحرین.

دو: هدایت گروه های مخالف در بحرین جهت مشارکت در انتخابات ۲۰۱۸ بدون ایجاد هیچگونه تغییر واقعی و جدی از جانب رژیم.

هدف اول عملی گردید و چندین گام در این راستا برداشته شد چرا که سیاستمداران آمریکایی بر این باور بودند که مشکل اساسی در فضای مذهبی در بحرین می باشد که مردم را به روح ایستادگی و مقاومت مسلح می کند و گفتمان دینی قادر بر این است که مردم در بحرین را بسیج کند به همین دلیل ضرورت ایجاد می کند نقش دین در سیاست کنار گذاشته شود تا از عنصر قوت مخالفان نظام کاسته شود، به همین خاطر گام هایی بدین منظور برداشته شد:

-تصویب کنوانسیون سیداو

-ممنوعیت روحانیون از شرکت در احزاب و جریانات سیاسی.

-ممنوعیت روحانیون از سخنرانی های سیاسی بدون موافقت.

و مراحل شدیدتری نیز در این راستا وجود دارد.

مانند آنچه در خصوص دستگیری شیخ المنسی، بازخواست شیخ محفوظ و شیخ حمزه الحواج و عده دیگری از علما و روحانیون در حیطه این چار چوب می باشد.

و برای عملی شدن هدف دوم، که همان مشارکت گروه های مخالف در انتخابات بعدی سال ۲۰۱۸ بدون ایجاد هیچگونه تغییر جدی در وضعیت سیاسی حاکم است، رژیم آل خلیفه با هدایت و دستور آمریکا تصمیم به چندین اقدام گرفت، این اقدامات عبارتند از:

جایگزینی رهبران جمعیت های سیاسی حال حاضر با رهبران معتدل مطابق با میل آمریکایی ها که این راهکار با دستگیری رهبران تندرو (بخوانید انقلابی) از نظر آمریکا و فراهم کردن بستر مناسب برای رهبران جایگزین جهت به دست گرفتن و کنترل اوضاع و حمایت از آنها در رسیدن به پست های مهم و رهبری جمعیت های سیاسی عملی می شود.

طرح تشیع اعتدال از جانب سفارت آمریکا در بحرین پی ریزی شد که با فراهم کردن کادرها و فعالان جوان و به کارگیری و آموزش آنها در دوره های مدیریت، علوم سیاسی، رسانه، حقوق بشر و دیگر دوره ها تا اندیشه و نگرش جوانان جلوه ای آمریکایی به خود بگیرد و منافع این کشور به خطر نیفتد و در امان باشد که این طرح از چندین ماه قبل در بحرین آغاز شده است.



مرگ مشکوک فعال عربستانی در زندان

«محمد رضی الحساوی» از فعالان معارض حاکمیت عربستان سعودی در شرایطی مبهم در زندان در گذشته و دلیل مرگ او هنوز اعلام نشده است. الحساوی از اهالی العوامیه در منطقه شیعه نشین «قطیف» در شرق عربستان بود و ۲ سال پیش به دست نیروهای امنیتی عربستان بازداشت شده بود. به گفته فعالان عربستانی، الحساوی در زندان درگذشت و این نگرانی وجود دارد که وی بر اثر شکنجه جان خود را از دست داده است. اخیراً شهادت شماری از فعالان سیاسی در زندانهای عربستان سعودی گزارش شده است که آخرین مورد آن، جوانی به نام «جابر حبیب العقلی» بود که یک هفته پیش در مرکز پلیس تاروت، در شرق عربستان، خبر درگذشت او اعلام شد. پیش از آن نیز خبر شهادت یک جوان دیگر به نام «مکی العریض» در زیر شکنجه در زندان گزارش شده بود. به گفته فعالان آثار شکنجه روی بدن این فعال کاملاً مشخص بود.

نمایندۀ جنبش جهاد اسلامی فلسطین در ایران در گفت و گوی تفصیلی بابیت المقدس:

روح الله فرقانی فدافن

امت اسلام بدون فلسطین همانند بدن بدون قلب است



در ادامه متن کامل آن تقدیم می گردد:

در ابتدا درباره طرح ۱۰ ماده ای دکتر رمضان عبدالله دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین که برای حل و فصل پاره ای از مشکلات سرزمین های اشغالی ارایه کرده است بپردازید، اکنون این طرح در چه مرحله ای قرار گرفته است؟

همانگونه که مستحضرید طرح رمضان عبدالله در سالگرد شهادت دکتر فتحی شقاقی بنیانگذار جنبش جهاد اسلامی به عنوان یک پیام به مردم فلسطین و ملت های جهان اسلام مطرح شد،

این کشورها چون منحرف شده اند دشمن خودشان را هم گم کرده اند و به جای پرداختن به مبارزه با اسرائیل به دشمنی با ایران اسلامی مشغول شده اند و این اوج انحراف دینی و سیاسی است، البته این انحراف دوام نمی یابد و باید آن را تقبیح کرد چرا که ملت های داند دشمن واقعی اسرائیل است.

می توان توصیف کرد که دیگر نمی توانیم با این وضع ادامه دهیم به روایتی ساده تر با یک بام و دو هوانمی شود به این موضوع نگاه کرد.

رژیم صهیونیستی قرارداد اسلو (نروژ) را که با تشکیلات خودگردان فلسطین نهایی کرده بود مخدوش ساخته چون بار اداری، مالی، اقتصادی

و تامین امنیت در بخش تحت اشغال را بدون اختصاص بودجه ای از طرف خود به فلسطینی ها واگذار کرده و تنها به سیطره خود و اشغالگریش ادامه می دهد و حتی تشکیل دولت فلسطین را نمی پذیرد. ساده تر بگویم اسرائیل، سرزمین فلسطین را برای شهروندانش به صورت زندانی درآورده که هزینه هایی جانبی آن را هم از مردم اخذ می نماید.

رمضان عبدالله با ارائه این طرح می گوید: به رسمیت شناختن اسرائیل غیرقانونی و غیرشرعی است و تنها راه را انتفاضه می داند ولی متأسفانه تشکیلات خودگردان (محمود عباس) به صلح می اندیشد و با انتفاضه مخالفت می ورزد و این در حالی است که با ادامه انتفاضه می توان به حقوق ملت فلسطین دست یافت.

اخیراً رمضان عبدالله در دیدار با رهبر انقلاب به برخی کشورهای عربی اشاره کرد که با اسرائیل در ارتباطند و مسأله فلسطین را فراموش کردند؛ منظور ایشان کدام کشورهاست؟

نمی خواهم در اینجا اسمی از کشورهای یاد شده ببرم؛ متأسفانه مسأله فلسطین دیگر مسأله اول کشورهای اسلامی نیست و نمی شود این را انکار کرد؛ متأسفانه برخی کشورهای اسلامی می خواهند با اسرائیل رابطه خوبی داشته باشند. مهم این است که مسأله فلسطین در قلب مردم کشورهای اسلامی و عربی وجود دارد از سویی

ناصر ابوشریف نماینده جنبش جهاد اسلامی فلسطین در تهران یک سال پس از اشغال فلسطین سال ۱۹۶۶ در طولكرم به دنیا آمد، وی پس از پایان تحصیلات مقدماتی (دیپلم) به دلیل عملیات ضد صهیونیستی ۱۳ سال در زندان رژیم صهیونیستی محبوس شد و پس از آن به اردن و سپس به عراق تبعید شد و در نهایت در سال ۲۰۰۶ به سوریه رفت. با پشتکار و تلاشی که ابوشریف برای دفاع از آرمانهای فلسطین اشغالی داشت توانست در مدت تبعیدش مراحل تحصیلات تکمیلی خود را در رشته فقه و پژوهش های اسلامی به پایان رسانده و از سال ۲۰۰۷ به عنوان نماینده جنبش جهاد اسلامی فلسطین در تهران مستقر شود.

در شرایطی که به تازگی سالگرد جنگ ۲۲ روزه غزه که با مقاومت مثال زدنی مجاهدان فلسطینی در سال ۲۰۰۹ همراه بود را پشت سر گذاشته ایم، به سراغ آقای ابوشریف رفتیم و آخرین اوضاع در فلسطین را مورد بررسی قرار دادیم. طرح ۱۰ ماده ای دکتر رمضان عبدالله که با استقبال گروه های فلسطینی مقامات کشورهای اسلامی و از جمله رهبر معظم انقلاب مواجه شده است هم دیگر محور گفت و گوی ما با نماینده جهاد اسلامی فلسطین در ایران بود.

عقب گرد برخی کشورهای اسلامی از توجه به قبله اول مسلمانان هم بخش دیگری از این مصاحبه صریح و جذاب بود.



محکومیت بین المللی شهرک سازی جدید رژیم صهیونیستی

«استفان دوجاریچ» سخنگوی دبیر کل سازمان ملل ضمن محکومیت شهرک سازی جدید رژیم صهیونیستی، تأکید کرد: اقدام های یک جانبه مانعی در دستیابی به صلح و تشکیل دولت فلسطینی و اسرائیلی است. دوجاریچ در واکنش به این موضوع، گفت: دبیر کل سازمان ملل (انتونیو گوترش) برنامه جایگزینی برای راه حل دو دولت در اختیار ندارد. وی افزود: هر تصمیم یک جانبه ای که بر سر دستیابی به هدف دو دولت مانع ایجاد کند موجب نگرانی شدید دبیر کل خواهد شد. وی از طرفین خواست تا برای دستیابی به این راه حل مذاکره کنند. علاوه بر دبیر کل سازمان ملل و سخنگوی وزارت خارجه کشورمان، کشورهای ترکیه، اردن، فرانسه و مصر برنامه جدید رژیم صهیونیستی در زمینه شهرک سازی در کرانه باختری اشغالی را محکوم کردند.



است با شرایطی که پیش از تحریم داشت به دلیل همجواری با مدیترانه از شکوفایی خوبی در عرصه کشاورزی، مرکبات و صادرات برخوردار بود حتی گل را به هلند هم صادر می کرد. اما این روزها شاهد ویرانی زیرساخت ها و اراضی کشاورزی آن هستیم که از سوی رژیم صهیونیستی صورت گرفته است، مانند آلوده کردن آب توسط رژیم صهیونیستی با وارد کردن فاضلاب ها به منابع آب زیر زمینی و قطع درختان، همچنین استحصال آب باعث نفوذ آب دریا به منابع آب زیر زمینی غزه و شوری این منابع شده است، کارگاه های صنعتی این منطقه محاصره شده را هم به بهانه ساخت موشک و اسلحه بمباران کردند و دیگر شاهد واردات سیمان و یا آهن به غزه برای بازسازی نیستیم، حتی مردم غزه حق ندارند برای کار و کسب معاش زندگی خود، به دیگر شهرهای فلسطین اشغالی بروند حتی رفتن به کشور مصر برای کار هم برای آنان ممنوع شده است.

اما در خصوص کرانه باختری اشاره ای داشته باشم که می توان گفت با وسعت ۶ هزار کیلومتری وضعیتش نسبت به غزه بهتر است و مردم می توانند از طریق کاشت زیتون، انجیر و یا انگور امرار معاش کنند اما با این وجود باز هم رژیم صهیونیستی زمین های سطح زیر کشت را کاهش داده و آنها را به بهانه ساخت دیوار شهرک سازی اشغال می کند.

در عرصه گردشگری و سفر جهانگردان به فلسطین هم اشاره کنم که تمامی منافع حاصل از این صنعت به جیب رژیم صهیونیستی می رود. چرا که تمامی گذرگاه های ورودی و خروجی فلسطین توسط صهیونیست ها اشغال شده است و بر آن سیطره دارند. اما مشکل مهم اقتصادی ما نداشتن واحد پول فلسطینی است که ۶۰ سال پیش رواج داشت متأسفانه امروزه شکل (پول اسرائیل) در فلسطین رایج شده است.

موضوع دیگر آن است که هر چند شش و نیم میلیون نفر فلسطینی در سرزمین تاریخی فلسطین هستند اما فقط ۸ درصد سرزمین در تملک آنان است که آن هم از همه جهات (هوا، زمین، دریا، زیرزمین) در محاصره

علیه اشغالگری اسرائیل انجام شده است. دشمن ما مسلمانان، اسرائیل است نه ایران یا شیعه یا دیگر شاخه های دین اسلام. متأسفانه دشمنان اسلام خشم پاک جوانان را به سمت تکفیری ها سوق دادند. حرف من به تکفیری ها و داعش این است که دشمن اصلی ما اسرائیل و رژیم غاصب صهیونیستی است باید غرب (آمریکا و اسرائیل) را تکفیر کنند که مسبب این مشکلات شده است. همانگونه که قرآن کریم می فرماید: با مشرکینی بجنگید که با شما می جنگند ما باید با کفار مسلح بجنگیم نه با گروه های مسلمان، باید از این حرف های انحرافی دست برداریم. ما فقط با کافرانی می جنگیم که با ما می جنگند و روی ما اسلحه می کنند. تأکید کنم هر گونه اقدام علیه غیر نظامیان را رد و محکوم می کنیم و این کار حرام است.

با وجود اینکه بیش از ۸ سال است که در تهران اقامت دارید، ارزیابی شما از نوع نگرش مردم ایران نسبت به مسأله فلسطین چیست؟

موضع جمهوری اسلامی ایران از ابتدا حمایت از فلسطین بوده و هست و همیشه شاهد این بوده ایم که اقدامات ایران فقط شعار نبوده بلکه موضوع فلسطین مسئله اول ایران است و مبتنی بر قواعد اسلامی، اخلاقی و انسانی است. مردم ایران اسلامی همیشه از مسأله فلسطین حمایت کرده اند و آن را تنها نگذاشته اند فلسطین به عنوان یک امر مقدس اسلامی همیشه در قلب و دل مردم جامعه ایران بوده است شاهد این مثال؛ روز قدس می باشد که میلیون ها ایرانی در حمایت از مسأله فلسطین در راهپیمایی این روز حضور می یابند.

ارزیابی من آن است که همیشه مردم ایران حامی فلسطین هستند و تشکر می کنم از تمامی حمایت های سیاسی، دینی، اخلاقی که توسط مردم ایران درباره فلسطین انجام شده است.

با بررسی وضعیت اقتصادی مناطق مختلف سرزمین اشغالی در می یابیم که بیشتر مناطق فلسطین تحریم و یا با مشکلاتی مواجه هستند لطفاً در این خصوص توضیح دهید؟
نخست پیردازیم به غزه که ۳۶۰ کیلومتر مربع

می دهند. جوانانی که وابسته به هیچ گروه و یا حزبی نیستند. فقط بر اساس احساسات خودشان، دست به اینگونه عملیات ها می زنند. این جوانان عملیات های استشهادی را بدون داشتن اسلحه و یا مهمات انجام می دهند تنها با چاقوی آشپزخانه اقدام به این رشادت ها می کنند و یا با خودروی خودشان نظامیان اشغالگر را زیر می گیرند. به نظر من این جوانان باید توسط تشکیلات خودگردان حمایت شوند نه اینکه آنها را بازداشت و یا منع کنند، مردم فلسطین به حال خودشان رها شده اند و کمترین امکاناتی از سوی کشورهای عربی و اسلامی در این انتفاضه اخیر دریافت نمی کنند، همچنین رژیم صهیونیستی حتی به ساکنین فلسطین که تابعیت اسرائیلی هم دارند رحم نمی کند و اخیراً شاهد بودیم روستای ام الحیران توسط خود اسرائیلی ها منهدم و تخریب شد لذا یک جوان فلسطینی که تابعیت اسرائیلی داشت به خاطر خشم از این جنایت، با خودرو تعدادی از آنها را زیر گرفت و در نهایت یک پلیس کشته شد. اما متأسفانه این رویداد را به گونه ای جلوه دادند که گویی پلیس اسرائیلی مظلوم واقع شده است. رژیم صهیونیستی یک رژیم اشغالگر است و همه می دانند سازمان ملل متحد هم اشغال فلسطین از سوی اسرائیل را محکوم کرده حتی بیانیه ها در محکومیت شهرک سازی اسرائیل صادر کرده است.

اشاره ای به قوانین سازمان ملل داشته باشم، آنجایی که سازمان ملل اجازه داد ملتی که اشغال می شود مقاومت کند و آن را حق مشروع خود می داند، اینکه ترکیه آن را محکوم کند باید حرفش را پس بگیرد، دلیل ادعای من می تواند کامنت مخالف میلیون ها نفری باشد که در پاسخ به معاون وزیر خارجه ترکیه گذاشته شد.

نتانیاهو این عملیات استشهادی را کار داعش دانست که بعداً توسط پلیس خودشان تکذیب شد. هر چند ایدئولوژی داعش را رد می کنیم و به هیچ عنوان نمی پذیریم، چرا که معتقدیم هیچ مسلمانی نباید مسلمان دیگری را کافر و تکفیر بداند و آن را بکشد اما اگر داعش هم این عملیات را انجام می داد ترکیه نباید آن را محکوم می کرد. چرا که اقدامی بر

دیگر باید گفت نظام ها هم نمی توانند بیش از حد در مسأله فلسطین بی تفاوت باشند، امت بدون فلسطین در جهان اسلام همانند بدن بدون قلب است، اگر یک نظام و یا کشوری مسیر خود را از موضوع فلسطین دور کند در واقع منحرف شده است، در نزد ملت های مسلمان نوع تعامل بر اساس مسئله فلسطین است و این در قرآن کریم تأکید شده (مسجد الحرام الی المسجد الاقصی) و نمی توان این را فراموش کرد.

موضوع دیگری که در عادی سازی روابط کشورهای اسلامی با اسرائیل مطرح می شود و باید به آن پرداخت این است که این کشورها چون منحرف شده اند دشمن خودشان را هم گم

اینکه ترکیه

عملیات شهادت طلبانه

اخیر جوانان فلسطینی را

محکوم کرد باید حرفش

را پس بگیرد، دلیل ادعای

من می تواند کامنت مخالف

میلیون ها نفری باشد که در

پاسخ به معاون وزیر خارجه

ترکیه گذاشته شد.

کرده اند و به جای پرداختن به مبارزه با اسرائیل به دشمنی با ایران اسلامی مشغول شده اند و این اوج انحراف دینی و سیاسی است، البته این انحراف دوام نمی یابد و باید آن را تقبیح کرد چرا که ملت ها می دانند دشمن واقعی اسرائیل است.

ارزیابی شما از موج جدید اقدامات شهادت طلبانه در فلسطین اشغالی چیست؟
چرا ترکیه عملیات های استشهادی اخیر جوانان فلسطین را محکوم کرد؟

اقدامات شهادت طلبانه راهکار مردم فلسطین است که جوانان آن را به شکل خودجوش انجام





◀ برگزاری همایش بین المللی وحدت ادیان آسمانی در دمشق

همایش بین المللی وحدت ادیان آسمانی در دمشق برگزار شد. محمد عبدالستار السیدوزیر اوقاف سوریه در این همایش گفت: ادیان آسمانی برای انسان سازی آمده اند و سوریه نیز یکی از الگوهای خوب جهانی برای دوستی کلیساها و مساجد است و مسیحیان و مسلمانان در کنار هم در تمدن سوریه سهمیه بوده اند. وی افزود: پیام چنین نشست هایی که در دمشق پایتخت مقاومت و با مشارکت علما برگزار می شود، پیام وحدت و هدف مشترک در مقابله با دشمن صهیونیستی است. اسقف نقولا بعلبکی نماینده یوحنا دهم اسقف اعظم کلیسای ارتدوکس انطاکیه و روم شرقی نیز با اشاره به وجود مفاهیمی مانند برادری و محبت و صلح در ادیان آسمانی گفت: صلح و آشتی بارها کردن خشونت و درگیری محقق نمی شود، بلکه صلح حقیقتی است که از دلها ناشی می شود و بغض و کینه را از دلها بیرون کرده و آرامش و مهربانی را جایگزین آن می کند.



◀ رامین حسین آبادیان

مذاکرات آستانه؛ از انفعال محور غربی-عربی تا تقویت مشروعیت اسد

مالی-تسلیماتی به تکفیریها برای سرنگونی دولت دمشق دریغ نکردند. با این حال، آنها به راحتی از مذاکرات آستانه کنار گذاشته شدند و ناکامی بزرگی را تجربه کردند. این مسأله حاکی از آن است که سعودی ها بیش از هر وقت دیگری در منطقه منزوی شده اند.

نشست آستانه و محتوای بیانیه پایانی آن، جملگی حکایت از دست برتر نیروهای مقاومت سوری و هم پیمانان آن از جمله ایران و روسیه در برابر گروه های تروریستی و حامیان غربی-آمریکایی آنها دارد. دمشق و هم پیمانان آن همان گونه که در عرصه میدانی ابتکار عمل را به دست گرفتند، در عرصه دیپلماتیک نیز توانستند دیدگاه ها و رویکردهای خود را به طرف مقابل دیکته کنند. از همین روی، نقش منفعلانه آمریکا و غرب بیش از پیش به چشم می خورد.

با توجه به تحولات میدانی و سیاسی اخیر در سوریه به ضرر قاطع می توان گفت که مشروعیت دولت دمشق به ریاست «بشار اسد» بیش از هر زمان دیگری تقویت شده است. اکنون به وضوح شاهد



بر نمایندگان دولت دمشق با هدف امتیازگیری از آنها بهره برداری کردند. البته این همان شیوه ای است که آنها در جریان نشست های سیاسی پیشین نیز به آن متوسل شده بودند.

از سوی دیگر، همان گونه که گفته شد دولت ترکیه نیز در مذاکرات آستانه حضور یافت. در واقع، هدف آنکارا از مشارکت در این نشست، تأمین اهداف گروه های مسلح تحت امر خود در سوریه بود. در طول دو روز مذاکرات فشرده میان طرف های مختلف، نمایندگان دولت آنکارا در قبال تمامی کارشکنی ها و سنگ اندازی های معارضان سکوت پیشه کردند و حاضر به بهره برداری از نفوذ خود بر آنها نشدند. در حقیقت، نقش منفعل ترکیه در جریان مذاکرات، موجب ایجاد برخی پیچیدگی ها در آن شد. انتظار این بود که حضور دولت ترکیه در مذاکرات، معارضان را از طرح شرط و شروط های خارج از عرف برای توافق بازدارد، با این حال سکوت سنگین آنکارا

علت اصلی این مخالفت را می توان در سلسله کارشکنی ها و سنگ اندازی های واشنگتن در مسیر حل سیاسی بحران سوریه در جریان مذاکرات سیاسی گذشته جستجو کرد. در واقع، به پشتوانه همین کارنامه سیاه به جای مانده از واشنگتن در پرونده سوریه، جمهوری اسلامی ایران حضور آن را عامل ایجاد اختلال در جریان مذاکرات قلمداد کرده و با آن به مخالفت برخاست.

در کنار نقش مهم و سازنده جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات آستانه، بعضا شاهد برخی کارشکنی ها و مانع تراشی هایی از سوی گروه های معارض سوری بودیم. معارضان تمام تلاش خود را در جریان این مذاکرات به کار بستند تا سرنوشت «بشار اسد» رئیس جمهوری قانونی سوریه در آینده سیاسی این کشور را در هاله ای از ابهام قرار دهند؛ حال آنکه بر خورداری مردم سوریه از حق تعیین سرنوشت خود و همچنین آینده رهبرانشان، از بدیهی ترین حقوقی است که می بایست برای آنها قائل شد.



آنها را جسورتر از گذشته ساخت. در این میان اما از عدم حضور یکی از حامیان اصلی و اساسی گروه های تروریستی-تکفیری در مذاکرات آستانه نباید غافل شد و به راحتی از کنار آن عبور کرد. می توان از عربستان سعودی به عنوان غایب بزرگ مذاکرات آستانه یاد کرد. سعودی ها در طول سال های اخیر از هیچ تلاشی در ارائه حمایت های

علاوه بر این، معارضان سوری در جریان مذاکرات آستانه کارشکنی هایی را در مسیر مسائلی همچون «تفکیک گروه های تروریستی از گروه های مسلح» و «دست یابی به یک سازوکار مناسب جهت تثبیت آتش بس سراسری» انجام دادند که البته به نظر می رسد هیچ یک از این کارشکنی ها به ثمر نشست. معارضان از این مانع تراشی ها به عنوان اهرم فشاری

اولین مذاکرات سیاسی صلح سوریه پس از تحقق دستاورد استراتژیک ارتش و نیروهای مقاومت در شهر حلب، هفته گذشته به مدت دو روز در شهر «آستانه» قزاقستان برگزار شد. در این دور از مذاکرات، جمهوری اسلامی ایران، روسیه، ترکیه و همچنین دو هیأت از سوی دولت دمشق و معارضان حاضر شده و به مذاکره با یکدیگر پرداختند. «استفان دی میستورا» فرستاده ویژه سازمان ملل در امور سوریه نیز به عنوان ناظر در مذاکرات شرکت کرد.

واقعیت این است که مذاکرات صلح سوریه در شهر «آستانه» به نوعی ماحصل و ثمره سلسله دستاوردهای میدانی گسترده ارتش و نیروهای مقاومت سوری به ویژه در شهر حلب بود. بدون تردید، در صورت عدم تحقق چنین دستاوردهای مهم و سرنوشت سازی، معارضان و حامیان آنها از جمله ترکیه هیچ گاه راضی به نشست بر سر میز مذاکره نمی شدند.

یکی از ویژگی های مهمی که در طول برگزاری مذاکرات آستانه دیده شد، «سوری-سوری» بودن مذاکرات بود. این مذاکرات در فضایی کاملاً به دور از دخالت های سیاسی خارجی و تنها میان طرف های سوری-هرچند به صورت غیرمستقیم-برگزار شد که این مسأله خود به تنهایی در مقایسه با مذاکرات سیاسی پیشین، یک دستاورد و امتیاز محسوب می شود.

در جریان مذاکرات آستانه، جمهوری اسلامی ایران نقش بسیار مؤثر و فعالی ایفا کرد. نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در این مذاکرات، همچون گذشته بر موضع اصولی تهران مبنی بر لزوم حل و فصل سیاسی بحران سوریه تأکید کردند؛ رویکردی که همواره کمک شایانی به پیشبرد مذاکرات سیاسی درباره سوریه کرده است و در این مذاکرات نیز نقش بسزای آن در صدور بیانیه پایانی، غیرقابل انکار است.

جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا رسماً و به صورت علنی از مخالفت خود با حضور ایالات متحده آمریکا در مذاکرات آستانه خبر داد.

می توان از عربستان سعودی به عنوان غایب بزرگ مذاکرات آستانه یاد کرد. سعودی ها در طول سال های اخیر از هیچ تلاشی در ارائه حمایت های مالی-تسلیماتی به تکفیری ها برای سرنگونی دولت دمشق دریغ نکردند. با این حال، آنها به راحتی از مذاکرات آستانه کنار گذاشته شدند و ناکامی بزرگی را تجربه کردند.

هستیم که دولت دمشق در موضع قدرت و معارضان و حامیان منطقه ای-بین المللی آنها در موضع ضعف قرار دارند. امروز شاهد آن هستیم که ادعای معروف و همیشگی معارضان و حامیان آن مبنی بر اینکه «اسد مشروعیت خود را از دست داده است» به کلی به فراموشی سپرده شده و دیگر هیچ جایی در قاموس آنها ندارد. آن ها خود به خوبی دریافته اند که این مشروعیت نه تنها از دست نرفته، بلکه تقویت نیز شده است.

در هر صورت مذاکرات صلح سوریه در آستانه با امضای یک بیانیه مشترک به پایان رسید. آنچه که واضح به نظر می رسد، این است که مبارزه با گروه های تروریستی-تکفیری در سوریه حتی برای یک لحظه نیز متوقف نخواهد شد و تا زمان نابودی آنها ادامه خواهد یافت. علاوه بر این، همان گونه که در بیانیه پایانی این نشست نیز آمده است، از این پس «اصل وحدت و تمامیت ارضی سوریه» نیز باید مورد توجه جدی قرار گیرد و این پایانی بر طرح غربی ها برای تجزیه بلاد شام است.



شبکه «نور العرب» با محوریت تقریب ادیان تأسیس شد

مجموعه رسانه‌ای «تله لومیر» که دارای ده شبکه تلویزیونی، از جمله شبکه نور سات می‌باشد، یک مجموعه مسیحی است که مدیران آن می‌گویند این شبکه‌ها، بر گفتگوی ادیان و فرهنگ‌ها و تمدن‌ها تأکید دارند. حامی مالی این مجموعه، یک کشیش مسیحی به نام «نور» است. این شبکه رسانه‌ای می‌کند که مورد حمایت شورای پاتریارک‌ها و اسقف‌های کاتولیک است و بنابر شواهد، این شبکه به مرجعیت عالی مسیحیان مارونی لبنان در بکر کی وابستگی دارد. اخیراً شبکه نور العرب با مدیریت خانم مارلن دیاب در حال راه اندازی است و مدتی است که پخش آزمایشی شش ساعته خود را آغاز کرده و قرار است که طی مراسمی رسماً در تاریخ دوم فوریه ۲۰۱۷ آغاز به کار کند. مؤسسان این شبکه تأکید دارند که نور العرب یک شبکه ماهواره‌ای عربی مستقل، غیر سیاسی، غیر تجاری و غیر فرقه‌ای است که از ترویج خشونت، اباحگری و آگاهی‌های تجاری خودداری می‌کند و در پیچه جهان شرق به سوی غرب است.

گزارش بیت المقدس از آخرین اقدام‌های اردوغان در ترکیه

رامین ولی زاده میدانی

وقتی هر فرکانس مخالف «آک پارتی» از دنیای اصوات حذف می‌شود



تعطیلی اخیر شبکه «on4» و شبکه «۱۲» که متعلق به شیعیان ترکیه هستند، در ادامه بسته شدن گسترده مطبوعات و رسانه‌ها در این کشور در ماه‌های اخیر انجام می‌شود. عجیب نیست که براساس برخی از آمارها ترکیه زندان خبرنگاران محسوب می‌شود. این ادعا زمانی قابل درک خواهد بود که اهداف اقدامات غیر دموکراتیک مقامات حزب عدالت و توسعه (آک پارتی) و شخص رجب طیب اردوغان مشخص شود.

روند کنونی نشان می‌دهد که اردوغان و حزب حاکم در ترکیه اساساً اعتقادی به دموکراسی ندارند. آک پارتی دموکراسی را محملی یافته که دیکتاتوری‌های خود را پیش برد. ارزش‌های دموکراتیک تا جایی برای حاکمان کنونی ترکیه ارزشمند است که بقای حکومت ایشان را ضمانت کند، گر نه به سخت‌ترین شکل ممکن طرد خواهد شد.

شاهد مثال‌های دیدگاه فوق در فضای سیاسی ترکیه محدود به چند نمونه خاص نیست، بلکه اردوغان و تیم حاکم آک پارتی چنین روندی را در همه موضوعات در پیش گرفته‌اند. انتخابات پارلمانی یکی از بزرگ‌ترین شاخص‌هایی است که رفتار حکومت ترکیه در قبال ارزش‌های دموکراتیک را می‌سنجد. ترکیه‌شناسان به خوبی به یاد دارند که چگونه ناکامی آک پارتی در هفتم ژوئن ۲۰۱۵ در انتخابات پارلمانی به پیروزی این حزب در یک نواंबर همان سال مبدل شد.

اردوغان با عدم پذیرش نتیجه هفتم ژوئن برای تشکیل دولت ائتلافی در ترکیه، فضای این کشور را تا یک نواंबर به گونه‌ای مدیریت کرد که در کمال

اردوغان و حزب حاکم

در ترکیه اساساً اعتقادی

به دموکراسی ندارند. آک

پارتی دموکراسی را محملی یافته

که دیکتاتوری‌های خود را پیش

برد. ارزش‌های دموکراتیک تا

جایی برای حاکمان کنونی ترکیه

ارزشمند است که بقای حکومت

ایشان را ضمانت کند، گر نه به

سخت‌ترین شکل ممکن طرد

خواهد شد.

ناپاوری ورق برگشت. کردها از مهم‌ترین دلایل ناکامی حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی هفتم ژوئن بودند؛ اما مدیریت صورت گرفته در فضای سیاسی و اجتماعی ترکیه باعث شد که حزب دموکراتیک خلق‌ها با یک میلیون ریزش رأی مواجه شود.

اردوغان در مدت مذکور آرامش را از مردم ترکیه گرفت تا امنیت را به آن‌ها بفروشد. اگر کسی حکومت کنونی ترکیه را حکومتی دموکراتیک می‌داند، باید

حزب حاکم است.

ارزش‌های دموکراتیک زمانی از ترکیه پر کشید که نمایندگان احزاب قانونی آن روانه زندان شدند. اقدامات اخیر عدالت و توسعه نیز برگشت دموکراسی به این کشور را با مشکل جدی مواجه ساخته است. تصویب مواد قانون اساسی جدید در ترکیه میخی بر تابوت دموکراسی این کشور بود که روح دموکراتیک را نیز از آن فراری داده است.

قانون اساسی این کشور تغییر پیدا می‌کند تا دیکتاتوری‌های اردوغان بر ترکیه تکمیل شود. با تصویب مواد جدید این قانون، احاطه رئیس‌جمهور بر قوای دیگر کامل می‌شود. این موضوع نیز در حقیقت در تداوم سیاست‌هایی قرار دارد که به دنبال تسلط همه‌جانبه رجب طیب اردوغان بر ترکیه است.

همه نمونه‌های ذکر شده از عدم پایبندی مقامات ترکیه به ارزش‌های دموکراتیک حکایت دارد. در حقیقت در شرایط کنونی وقوع هر اقدامی که اهداف اردوغان و آک پارتی را بیش از پیش محقق سازد، دور از ذهن نیست. تعطیلی رسانه‌ها و اقدامات این چنینی از یک منشأ سرچشمه می‌گیرند و آن بقای حکومت حزب عدالت و توسعه است. سالیانست که کارشناسان بسیاری معتقدند مقامات ترکیه بدنبال بازگشت به دوران عثمانی هستند، مساله‌ای که اگر چه در عرصه تحولات منطقه‌ای نتوانستند آن را اجرایی کنند و در سوریه و ... ناکام ماندند اما گویا حداقل در بدل کردن مقام رئیس‌جمهور به پادشاه و ساختن کاخ‌های مجلل برای اردوغان، توفیقات خوبی داشته‌اند! کودتای پانزدهم جولای ۲۰۱۶ در این کشور با شکست به پایان رسید؛ اما آغازی بر تشدید فشارها و سرکوب‌ها علیه مخالفان آک پارتی بود. در حال

حاضر هر کسی که مخالف حکومت ترکیه محسوب می‌شود، با برچسب‌های مختلفی حذف می‌شود. وابستگی به جریان فتح‌الله گولن، دست داشتن در کودتا، همراهی با پ. ک. و برچسب‌های دیگر جزو اتهاماتی سنگینی به حساب می‌آید که هر یک از آن‌ها به تنهایی می‌تواند اکثر مخالفان حزب عدالت و توسعه را با خطر جدی مواجه سازد. اردوغان از همه ابزارها برای تداوم حکومت خود بهره می‌گیرد. حتی کودتای اخیر نیز بهانه‌ای دیگر برای سرکوب بیشتر فراهم آورد.

چندین ماه از کودتای ترکیه می‌گذرد؛ اما همچنان کشور ترکیه در شرایط اضطرابی به سر می‌برد. تداوم این شرایط اجازه می‌دهد که بسیاری از دستگیری‌ها و سرکوب‌ها به راحتی انجام شود. بی‌شک حزب حاکم ترکیه روز به روز مؤلفه‌های یک حکومت دموکراتیک را از دست می‌دهد و به امپراتوری دیکتاتور مآبانه نزدیک می‌شود.

اگر اردوغان از مرزهای میثاق ملی حرف به میان می‌آورد، نباید تعجب کرد که وی در سیاست خارجی خود نیز هر بحرانی را بهانه‌ای برای کسب منافع بیشتر قرار می‌دهد. بحران سوریه و عراق باعث شد که چهره واقعی حکومت ترکیه مشخص تر شود. تجاوز این کشور به شمال سوریه و عدم خروج نیروهای ترک مستقر در عراق نمونه‌هایی از تداوم زیاده‌خواهی‌های اردوگانی است که بحران این کشورها را پیچیده‌تر کرده است. در مجموع می‌توان گفت که تداوم سرکوب‌ها و فشارها در ترکیه موجب خواهد شد که این امر طبیعی جلوه داده شود و حکومت ترکیه بقای عمر خود را به عنوان امنیت ملی این کشور تلقی کند. این موضوع خطرناک‌تر از سرکوب‌های کنونی است.



به پرچم عزیز فلسطین

سید رضا محمدی
متولد غزنین افغانستان

هزار مرد به پای تو جان سپردند و ...
هزار دست تو را باز می فشردند و ...

سپیدی ات را تا صلح سازمان ملل
سپید باشد از الخلیل بردند و ...

ز سبز و دکا کردند امیرهای عرب
تورا به همراهش قطعه قطعه خوردند و ...

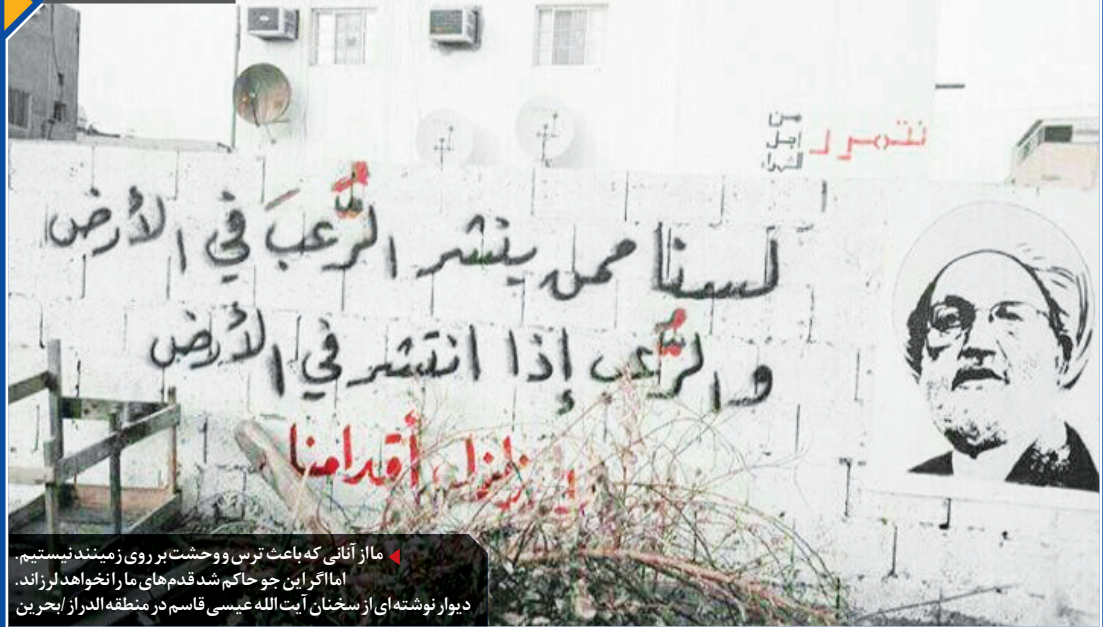
سیاهی ات را پیراهن زنی کردند
که بچه هایش در انتفاضه مردند و ...

تو سرخ خونت بر شانه منتشر شده بود
که شانه های تو آزرده اند و تردند و ...

تو سرخ خونت در روزنامه های جهان
که کشته ها را از جنگ می شمردند و ...

هزار مرد به پای تو جان سپردند و ...
هزار دست تو را باز می فشردند و ...

خیلی دور خیلی نزدیک



ما از آنانی که باعث ترس و وحشت بر روی زمینند نیستیم.
اما اگر این جو حاکم شد قدم های ما را نخواهد لرزاند.
دیوار نوشته ای از سخنان آیت الله عیسی قاسم در منطقه الدراز بحرین



«خاطرات فرامرزی یک طلبه» رادنبال کنید



«خاطرات و دغدغه های شخصی یک طلبه فرامرزی» شرحی است که در بخش معرفی کانال تلگرامی «خاطرات فرامرزی یک طلبه» آمده است.

این کانال توسط حجت الاسلام دکتر یحیی جهانگیری سهروردی که از فارغ التحصیلان جوان حوزه علمیه قم است راه اندازی شده و وی در آن به شرح تجربیات خود در حوزه تبلیغ دین اسلامی می پردازد.

حجت الاسلام جهانگیری با تسلط به زبان انگلیسی در حوزه تبلیغ بین الملل فعال بوده و سفرهای تبلیغی زیادی به شرق و غرب عالم داشته است.

ژاپن، نروژ، سوئیس، مالزی، ترکیه، اندونزی، بلاروس، فرانسه، لهستان، عراق، سوریه، عربستان و فلیپین برخی از مقاصد سفرهای تبلیغی جهانگیری است که خاطرات و تجربیاتی از هر یک از این سفرها در کانال وی منعکس شده است.

ببینا خاطرات شیرین و گاهی تلخ از اتفاقاتی که نویسنده در جریان فعالیت هایش با آنها مواجه می شود برای همه علاقه مندان تبلیغ دین و نیز دوستداران فعالیت های برون مرزی جذاب و قابل بهره برداری است.

جهانگیری که اکنون در شهر حراره، پایتخت زیمبابوه و در قالب جامعه المصطفی العالمیه مشغول تبلیغ و تدریس مباحث اسلامی است، در بخش دیگری از مطالب کانالش به اطلاع رسانی برخی نشست های بین المللی و با فرصت های تحصیلی در حوزه علوم اسلامی در سطح جهان می پردازد. علاوه بر این هر پنجشنبه یک یادداشت از حجت الاسلام جهانگیری در صفحه معارف روزنامه قدس منتشر می شود.

برای دسترسی به کانال «خاطرات فرامرزی یک طلبه» باید از لینک <https://t.me/suhrawardi> استفاده نمود.



بررسی نسبت دین اسلام و توسعه اقتصادی



کتاب «مسائل توسعه جهان اسلام» تألیف دکتر سعید میر ترابی از تازه ترین پژوهش هایی است که به بررسی نسبت دین اسلام و توسعه اقتصادی کشورها می پردازد.

این کتاب مقدمه، شش فصل و یک نتیجه گیری دارد. چارچوب کلی بحث در مقدمه تبیین می شود. در این بخش، تأکید شده که بیشتر از بعد جامعه شناختی، رابطه میان دین و توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین به پیشینه مطالعات در باره رابطه دین و توسعه از توماس آکوئیناس تا ماکس وبر، مک لند، برنارد روزن و... اشاره کرده است. به رسم تمام پژوهش ها و تحقیقات علمی، اولین فصل کتاب مربوط به مباحث نظری در باره شیوه پیوند دین و توسعه در جوامع انسانی است و در صدد نشان دادن پیوندهای پیچیده بین دین، تمدن و توسعه چه به لحاظ تاریخی و چه در دنیای امروز بر می آید. در نتیجه گیری پایانی، تلاش می شود به پرسش اولیه کتاب پاسخ داده شود. پرسش این بود که آیا در بحث مسائل توسعه، امکان طرح یک تقسیم بندی جداگانه در چارچوب جهان اسلام وجود دارد یا خیر و در صورت مثبت بودن پاسخ، این دسته بندی چه کمکی به مطالعه مسائل توسعه جهان اسلام خواهد کرد؟

صحبت پایانی کتاب در رابطه با تقویت پیوندهای برادری و بالفعل کردن ظرفیت وحدت و همدلی کشورهای اسلامی در جهت توسعه همه جانبه اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی و سیاسی است. نویسنده معتقد است که «به نظر نمی رسد با توجه به فضای حاکم در روابط میان کشورهای اسلامی، در آینده ای نزدیک شاهد یک اراده سیاسی قوی برای تقویت پیوندها در حوزه های عقیدتی و فرهنگی در سطح اکثر کشورهای اسلامی باشیم. بنابراین بر اساس نظریه های رایج همگرایی، گسترش همکاری ها در سطوح فنی و اقتصادی ممکن است به تدریج زمینه بهتری برای همگرایی در دیگر حوزه ها فراهم سازد». این کتاب در ۴۱۲ صفحه و ۱۵۰۰ نسخه از سوی انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) منتشر شده است.



روایتی سینمایی از جنگ ۳۳ روزه علیه مقاومت اسلامی



فیلم سینمایی «شهابی از جنس نور» به نویسندگی و کارگردانی محمدرضا اسلاملو با نگاهی به امدادهای غیبی در جنگ ۳۳ روزه ساخته شده است.

فیلمنامه شهابی از جنس نور که بخش عمده فیلمبرداری آن در لبنان صورت گرفته، برداشت آزادی از کتابی به نام «وعد الصادق» است و به امدادهای غیبی در جنگ سی و سه روزه و اعترافات اسرائیلی ها درباره مشاهده این امدادها پرداخته است. بر این اساس یک مستندساز ایرانی بعد از جنگ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی علیه حزب الله لبنان برای کشف حقایقی که شنیده به منطقه می رود و با واقعیات بسیاری مواجه می شود.

همه داستان فیلم که در ابتدا «شمشیر ازدها» نام داشت، در لبنان و بخشی از قصه در سوریه اتفاق می افتد اما با شرایط پیش آمده از جانب تکفیری ها در بلاد شام تمام صحنه های فیلم در جنوب لبنان و در اطراف شهر صور جلوی دوربین رفت.

در این فیلم علاوه بر بازیگران سرشناسی از کشورمان مانند امید زندگانی، چند بازیگر لبنانی از جمله باسم مغنیه و بولین حداد به ایفای نقش پرداختند.

شهابی از جنس نور محصول مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی است و در جشنواره سی و دوم فیلم فجر به نمایش درآمد.